

نگاهی به قانون مدنی کنونی مصر

بهمن رازانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو، شپږمه ځل، ۱۳۹۰ ل.
پرتال جامع علوم انساني و مطالعات فرهنگي

مقدمه

در این صفحات، پیش از این، مکرراً به اهمیت و ارزش مطالعات حقوق تطبیقی در زمان و مکان اشاره شده است و به یاد آورده‌ایم که چنین مطالعاتی در جهت اصلاح و تعالی نهادهای حقوقی و شناخت نواقص و رفع آنها و دریافت راه کارهای دیگران برای حل مسائل اجتماعی تا چه حد ارزش و اعتبار دارد.

و از این میان، توصیفی از قانون مدنی کشور گرامی مصر بنا به نزدیکیهای فرهنگی، مشابهات دینی و قدمت و ریشه‌دار بودن فرهنگ مصری برای ما مناسبتر و آموزنده‌تر است. بویژه آن که قانون موصوف با همکاری تنگاتنگ جمعی از حقوقدانان مصری با مدیریت و راهنمایی فاضل فقید استاد دکتر عبدالرزاق السنهوری تهیه و تدوین شده است. و در مقام مقایسه، از جمله قوانین مدنی پیشرفته به حساب می‌آید و خود به عنوان قانون مادر و نمونه، در قانونگذاری غالب کشورهای عربی بسی مؤثر افتاده است و ارایه تصویری از آن و تحولاتش بسا که مفید فایده‌ای بود. جای تذکر دارد که برای اشاره به تحولات تاریخی قانون مدنی یاد شده در این مختصر، تألیف ارجمند دکتر سنهوری (جلد یکم از الوسیط) به عنوان منبع اصلی مورد استفاده بوده است.

تاریخچه

حمله سپاهیان ناپلئون اول به کشور مصر و استیلای ایشان بر آن سرزمین، همانند هر حادثه اجتماعی دیگر، پیامدهای متعددی داشته است. روی آوردن ناگزیر جامعه مصری به قانونمندتر کردن قضاوت و تأسیس دادگاههای نوین و تدوین و تصنیف

قوانین جدید را می‌توان از جمله پیامدهای مثبت آن حرکت برشمرد. در آن روزگار، آقای «مانوری Manoury» وکیل فرانسوی مقیم اسکندریه که به عنوان دبیر کمیته بررسی طرح دادگاههای مختلط مصر برگزیده شده بود، مأمور تصنیف و تألیف قوانین مختلط نیز گردید. و به سالهای ۱۸۷۳ - ۱۸۷۲ قانون مدنی (مختلط)^۱ مصر را به زبان فرانسه با بهره از مقررات آن هنگام فرانسه و رویه قضایی و در مواردی تلخیص قانون مدنی کشور مذکور و نیز تأثر از قانون مدنی ایتالیا مصوب ۱۸۶۶ و نیز بهره‌گیری از مقررات اسلامی تصنیف کرد که خود به سال ۱۸۷۵ به تأیید رسید. در همین ایام، کمیته‌ای از مترجمان بزرگ آن عصر همچون: محمد قدری، حسین فخری، پطرس غالی و دیگران برای ترجمه رسمی قانون یاد شده و دیگر قوانین تشکیل شده بود.

همچنان که در آن روزگار و بویژه پس از تأسیس دادگاههای مختلط، حکومت ناگزیر به اندیشه اصلاح شکلیات دادرسی خود افتاد، بار دیگر آقای «موریوندو Moriondo» وکیل ایتالیایی که به سال ۱۸۷۵ به قضاوت دادگاههای مختلط اسکندریه برگزیده شده بود، مأموریت یافت به تصنیف قانون مدنی ملی مصر دست زند. وکیل یاد شده با اقتباس بسیار از مقررات تصنیف شده آقای مانوری یعنی قانون مدنی مختلط - که گاهی تا حد نقل واژه به واژه مطالب می‌انجامید - به تدوین و تصنیف قانون مدنی ملی دست زد.

با پدید آمدن حرکت سیاسی عربی پاشا، برای مدتی حرکت اصلاحی قضایی یاد شده ناگزیر متوقف شد و سپس و بعد از فرود گرفتن آن نهضت، حکومت وقت به تجدید نظر در لایحه قانونی اخیر دست زده و اصلاح شده آن را به سال ۱۸۸۳ میلادی تصویب کرد. و در اکتبر ۱۸۸۳ قانون مدنی ملی مصر و در پی آن پنج قانون دیگر تهیه و تصویب شد که عموماً به زبان فرانسه تدوین شده و به زبان عربی ترجمه

۱. قوانین و دادگاههای مختلط در نظام حقوقی آن روزگار مصر، ویژه رسیدگی به دعاوی ای بود که یک طرف آن غیر مصری و غالباً از اروپائیان به شمار می‌آمد.

می‌شدند.

تدوین و اجرای قوانین دوگانهٔ مختلط و ملی هرچند در مقام مقایسه با اوضاع قبلی قضا در کشور مصر گامی بلند در جهت قانونمندی جامعه و امور محسوب می‌شد، خود عیوب و ایرادات مهمی به همراه داشت. از جمله:

یک؛ همچنان که دکتر سنه‌پوری بدان اشاره دارد، مقررات منظور، برخاسته و برگرفته از مقرراتی است که در فرانسهٔ آن زمان معمول و مجری بوده و خود نسبت به شرایط زمان خود کسر و کاستی قابل توجهی داشته است. چنان که نگاهی گذرا به فصول و ابواب و عناوین مصوبات یاد شده خصوصاً قانون مدنی، نیک نشان می‌دهد که مقررات یاد شده از احکام اموری همانند بیمه، سوء استفاده از حق، نظام مؤسسات، مالکیت به نحو اشاعه، حواله، نیابت در انعقاد عقد، حق حبس و اموری دیگر خالی است.

دو؛ کشور مصر که در آن روزگار تازه در آن راه گام می‌نهاد تا خواب آلودگی ناشی از حکومت امرای ممالیک و کدخدایان خلیفه نام عثمانی را از سر به در کند، و برای وصول و درک آخرین غبار کاروان سریع توسعه و پیشرفت و تجدد دل به دریا زند و خود به تازگی مزهٔ امور نوینی چون چاپ و چاپخانه و قشون نوین و مدارس جدید را می‌چشید؛ اصولاً قادر به هضم مقررات و نظمی که از اصل به زبان بیگانه و از دید بیگانگان نوشته شده بود، نمی‌توانست باشد.

سه؛ به سبب تفاوت‌های ریشه‌دار فرهنگ مردمان مصر و دیدگاه مؤلفان مقررات یاد شده، احکام این مقررات چندان پاسخگوی نیازهای جامعه نمی‌توانست باشد. و در مواردی احکامشان با مقررات و اصول فرهنگی بومی، محلی و مذهبی نمی‌خواند و در مواردی احکامی را که اصولاً در جامعهٔ مصری و مشابه آن نمی‌توانست جا افتد، به صورت قانون درآورده بود؛ از جمله احکام غریب این قوانین که با مقررات معمول و مقبول برخاسته از مقررات اسلامی در کشور مصر همخوانی نداشت، اجبار زوجه در شرایطی به نفقه دادن به شوهر و حتی گاه پدر شوهر را می‌توان بر شمرد. و نیز این که

مقررات یاد شده تسلیم را مثلاً در عقود، ناقل می‌شمرد نه نقس عقد را و یا این که تقسیم مال را موجد و منشیء حق می‌شمرد، نه کاشف آن.

علاوه بر اینها و عیوب مقررات یاد شده از حیث تفصیل و تبویب امور و مسائل و احکام، دوگانگی نصوص - مقررات مختلط از یک سو و مقررات ملی از سوی دیگر - و دوگانگی زبان و متون هر یک از آنها بدین تفصیل که هر یک ابتدا به زبان فرانسه تدوین شده و سپس به زبان عربی ترجمه شده نیز از منقصدتهای سیستم دادگری مصر آن روز به حساب می‌آمد.

به سخن دیگر، در آن دوره، امر واحدی در صورتی که بین دو بیگانه یا بیگانه‌ای با هموطن مصری موضوع ترافع بود، به **دادگاههای مختلط** می‌رفت و **مقررات مختلط** بر آنها حاکم بود و بر عکس، هرگاه همان امر بین دو هموطن مصری موضوع ترافع قرار می‌گرفت، به **دادگاههای ملی (اهلی)** می‌رفت و مقررات ملی بر آنها حاکم بود. با این توضیح که هر یک از مقررات نیز خود دارای دو متن فرانسوی و عربی بود که گاه با یکدیگر معارضه داشت.

برای مثال و به دست دادن تفاوت و تغایر احکام قوانین فوق و در دسرهایی که می‌توانست موجب شود، چند ماده از مواد قانون مدنی ملی (القانون المدنی الاهلی) مصوب ۲۸ اکتبر ۱۸۸۳ میلادی را با متن فرانسه همان قانون (Code civil des tribunaux indigènes) را در ذیل به طور متناوب برای مقایسه می‌آوریم.

چنان که ملاحظه خواهد شد، با آن که مفروض آن است و قرار چنان بوده است که احکام فوق - که بنا به قولی ابتدا به زبان عربی نگاشته شده و سپس به فرانسه ترجمه گردیده و بنا به قول صحیح‌تر ابتدا به فرانسه تدوین گردیده و سپس به عربی ترجمه شده است - نظیر به نظیر شبیه و همانند با یکدیگر بوده و یکی از دیگری عیناً و به دقت ترجمه شده باشد، تفاوت‌هایی دارد. چنان که در مواد ذیل اختلاف به خوبی مشهود است:

الف- المادة رقم ۹۴: يشترط لصحة التعهدات و العقودان تكون مبنية على سبب صحيح جائز قانوناً.

ترجمه: برای صحت تعهدات و عقود، شرط است که آنها بر سببی مجاز و صحیح و قانونی مبتنی باشند.

● Art. 94: L'obligation n'existe que si elle a une cause certaine et licite.

ترجمه: تعهد پدید نمی‌آید مگر آن که دارای سببی تحقق یافته و قانونی باشند.

ب- المادة رقم ۱۳۴: الغلط موجب لبطلان الرضا متى كان واقعاً في اصل الموضوع المعتبر في العقد.

ترجمه: اشتباه زمانی موجب بطلان رضا می‌گردد که در اصل موضوع منظور در عقد اتفاق افتاده باشد.

● Art. 134: L'erreur opère la nullité du consentement quand elle porte sur le rapport principal sous lequel la chose a été envisagée dans le contrat.

ترجمه: اشتباه زمانی موجب بطلان رضا می‌گردد که بر رابطه‌ی اساسی که موضوع قرارداد در سایه‌ی آن رابطه‌ی منظور نظر، منعقد شده است، واقع گردد.^۱

پ- المادة رقم ۱۳۵: لا يكون الاكراه موجباً لبطلان المشاركة الا اذا كان شديداً بحيث يحصل منه تأثير لذوى التمييز مع مراعاة سن العاقد و حالته و الذكورة و الأنوثة.

۱. ملاحظه می‌گردد که حسب متن عربی ماده ۱۳۴ اشتباه در موضوع مورد معامله موجب بطلان رضاست، مثل این که بایع قصد فروش خانه را داشته باشد و مشتری قصد خرید خودرو را. اما حسب متن فرانسه اشتباه در رابطه منظور در عقد و به سخن آخر، نوع عقد موجب بطلان رضاست. مثل این که شخصی اراده‌ی ایجاد عقد بیع کند و دیگری اراده‌ی اجاره مثلاً.

ترجمه: اکراه موجب بطلان عقد نمی‌گردد مگر آن چنان شدید باشد که در افراد خردمند با رعایت سن و حالت و مرد و زن بودن عاقد، اثر کند.

● Art. 135: La violence, pour être cause de nullité, doit être assez grave pour faire impression sur une personne raisonnable, étant tenu compte de l'âge, du sexe et de la condition du contractant.

ترجمه: برای آن که اکراه سبب بطلان شود، بایستی به حدی شدید باشد که بتواند بر شخصی خردمند با ملاحظه سن، جنس و شرایط عاقد، اثر کند.

ت- المادة رقم ۱۳۶: التذليس موجب لعدم صحة الرضا اذا كان رضا احد المتعاقدين مرتباً على الحيل المستعملة له من المتعاقد الآخر بحيث لولاها لما رضى.

ترجمه: تذلیس، زمانی موجب عدم صحت رضاست که رضای یکی از متعاقدان ناشی از حیله‌هایی باشد که متعاقد دیگری در مورد وی به کار برده و اگر به کار نمی‌برد، وی راضی نمی‌شد.

● Art. 136: Le dol vicie le consentement quand les manoeuvres pratiquées, contre l'art sont telles que, sans ces manoeuvres, elle n'aurait pas consenti.

ترجمه: تذلیس، زمانی موجب معیوب شدن رضا می‌گردد که حرکات به کار رفته علیه یکی از متعاقدين، آن گونه باشد که بدون کاربرد آنها، وی رضایت نمی‌یافت.^۱

ت- المادة رقم ۱۳۷: من عقدت على ذمته مشاركة بدون توكيل منه فله الخيار بين قبولها او رفضها.

۱. جان کلام در آن است که حسب متن عربی حیله‌ها و اعمال بایستی ناشی از عمل طرف قرارداد باشد و در متن فرانسه چنین قیدی وجود ندارد... و صاحب نظران تفاوت حکم را در ابطال قراردادها، با همین مقایسه نیک در می‌یابند.

ترجمه: کسی که بدون نمایندگی از وی ذمه‌اش را به تعهدی مشغول کرده‌اند، مختار است آن تعهد را قبول کند یا ردّش سازد.

● Art. 137: Lorsq' une personne a stipulé pour un tiers sans mandat' ce tiers a le choix de confirmer le contrat ou de refuser de le reconnaître.

ترجمه: هنگامی که قراردادی را بَهرِ ثالثی بدون نمایندگی از وی منعقد کنند، ثالث محق است که آن قرارداد را قبول کند یا معتبر شمردنش را رد کند.

به هر حال مشکلات عملی ناشی از چندگانگی فوق و همچنین تحولات و پیشرفت جامعه مصر باعث آمد که دولت آن کشور در صدد اصلاح وضع موجود برآید و نظر بدان که اصلاحات انجام شده نیز به سبب عیوب اساسی، در پیراستن نواقص تاثیر نمی‌نهاد، ناگزیر به تدوین مجدد قوانین و از جمله قانون مدنی روی آوردند. قابل ذکر است که در این زمینه، طی سال ۱۹۳۶ میلادی دو بار کمیسیونهایی با شرکت حقوقدانانی چندین تشکیل شده و به اقداماتی نیز دست زدند. اما کامیابی به دلایل متعدد نصیبشان نشد. و سرانجام در ۲۸ ژوئیه ۱۹۳۸ نظر به مصوبه هیات وزیران، وزارت دادگستری طی حکمی تهیه و تدوین طرح مقدماتی قانون مدنی جدید مصر را بر عهده دکتر عبدالرزاق احمد السنهوری و استاد ادوار لامبر نهاد...

و بَهرِ تدوین و تنظیم طرح، کمیسیون سومی با شرکت این دو تشکیل شد. حقوقدان اخیر هر چند نتوانسته است مدت درازی در مصر بماند، در فراهم ساختن مقدمات امر و تدوین نصوص باب مقدماتی و نیز عقود بیمانکاری و بیمه و جز آن تأثیر مستقیم داشته است. به هر حال طرح منظور با مساعی استاد دکتر عبدالرزاق السنهوری و حقوقدانان همراه وی به سال ۱۹۴۲ به پایان رسید و وزارت دادگستری آن را در معرض ارزیابی صاحب نظران و حقوقدانان قرار داد. کمیسیون مذکور علاوه بر تهیه و تنظیم و تدوین طرح قانون توضیح مفصل و مرتبی در بیان چگونگی تدوین و

نگارش مواد قانونی به نام «المذكرة الايضاحية للمشروع التمهيدي» تهیه نمود که پس از تصویب نهایی و اجرای قانون نیز خود یکی از ابزار راهگشای محاکم و حقوقدانان برای تفسیر مواد قانون یاد شده است. سرانجام کمیسیون دیگری به ریاست دکتر سنهوری و اشتراک چهار حقوقدان و دست‌اندرکار دیگر مسائل حقوقی در دادگاهها و مجلس در مارس ۱۹۴۵ تشکیل شد که طرح نهایی را با ملاحظه اظهار نظرهایی که نسبت به طرح مقدماتی شده بود، ظرف شش ماه تهیه و تقدیم سازد. طرح نهایی در نوامبر ۱۹۴۵ به مجلس شورا تسلیم شد و پس از بررسی همه جانبه در آن جا - من جمله بررسی شش ماهه در کمیسیون قانون‌گذاری مجلس شورا و نیز بررسی دو ساله کمیسیون قانون‌گذاری مجلس سنا - سرانجام در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۸ فرمان تصویب آن صادر شد و در ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۸ در روزنامه رسمی انتشار یافت و مقرر شد که از ۱۵ اکتبر ۱۹۴۹ (روز پس از پایان نظام مختلط قضایی مصر) مورد عمل قرار گیرد. این قانون از آن پس در کشور ارجمند مصر به اجرا درآمد و همچنان با مختصر اصلاحاتی مجری و معمول است.

ویژگیهای قانون مدنی جدید مصر، مصوب ۱۹۴۸ میلادی

قانون مدنی کنونی مصر، محتوی ۱۱۴۹ - به شرحی که گذشت - به تصویب رسیده است و دارای بایی به نام باب مقدماتی و چهار کتاب است.

باب مقدماتی آن (تمهیدی) حاوی ۸۸ ماده در اولین فصل خود به بیان عمومات راجع به قوانین و دایره اجرائیشان پرداخته و تعارض قوانین در زمان و مکان را مورد حکم قرار داده است. فصل دوم باب مقدماتی به تعریف اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخته و در فصل سوم تقسیم اشیاء و اموال را مورد نظر قرار داده است. عناوین ذیل کتاب اول به این شرح است: باب اول، در اسباب تعهدات است که طی فصل اول به عقد، ارکان، آثار و انحلال آن پرداخته و طی فصل دوم اراده واحد را به عنوان سبب دوم از اسباب تعهدات بیان کرده است. و در فصل سوم، عمل غیر مشروع را به عنوان سومین سبب از اسباب تعهدات تکمیل کرد. و تحت سه عنوان مسؤولیت شخص

نسبت به اعمال خویش، مسؤولیت شخص نسبت به اعمال دیگری و مسؤولیت شخص ناشی از اشیاء، به بیان احکام این گونه تعهدات خارج از قرارداد پرداخته است. در فصل چهارم کتاب اول و تحت عنوان دارا شدن غیر عادلانه، مقنن، به چهارمین سبب تعهدات پرداخته و آن را تحت عناوین پرداخت بدون بدهی و نیز اداره اموال دیگران^۱ مورد حکم قرار داده است و سرانجام قانون را در فصل پنجم به عنوان آخرین سبب تعهدات منظور نموده است.

باب دوم کتاب اول در این قانون، ویژه آثار تعهدات است و در آن طی فصل اول به اجرای عین تعهد و طی فصل دوم به اجرای تعهد از طریق تسلیم بدل و طی فصل سوم به ابزار و وسائل تضمین حقوق طلبکاران پرداخته و وسائل اجرا، حق حبس و اعسار را توضیح داده است.

باب سوم کتاب اول به اوصاف تعدیل کننده تعهدات از جمله: شروط، اجل، التزامات تخیری و التزامات بدلی و سپس به تعدد دو طرف تعهدات و سرانجام به انتقال دین و حواله و سقوط تعهدات پرداخته است.

باب پنجم کتاب اول، ویژه به پایان رسیدن تعهدات است که طی فصل اول آن وفای به عهد و دو طرف تعهد و مکان اجرای تعهد و اجرای تعهد، تبدیل تعهد، تجدید آن با تغییر داین یا مدیون و نیز تهاتر^۲ تعهدات موضوع حکم قرار گرفته است.

در فصل سوم باب یاد شده انتفای التزام و تعهد بدون اجرا با بحث از ابراء، غیر ممکن شدن اجرا و مرور زمان و مُسَقِطُ به میان آمده است و سرانجام باب ششم به ادلّه اثبات دعوا ویژه بود. که با تصویب قانون ادله اثبات که به تاریخ ۱۹۶۸/۵/۲۰ در روزنامه رسمی شماره ۲۲ به طبع رسیده است لغو گردیده است.

۱. ماده ۱۸۸: الفضالة هی ان یتولی شخص عن قصد القیام بشأن عاجل لحساب شخص آخر، دون ان یتولوا ملزماً بذلك.

۲. المقاصة، ماده ۳۶۲؛ للمدين حق المقاصة بين ما هو مستحق عليه لدائنه و ما هو مستحق له قبل هذا الدائن. و لو اختلف سبب الدينين اذا كان موضوع كل منهما نقوداً أو مثليات متحدة في النوع و الجودة و كان كل منهما خالياً من النزاع مستحق الاداء صالحاً للمطالبة به قضاء.

کتاب دوم قانون مدنی جدید مصر، به عقود معین ویژه گردیده است. و طی آن در باب اول به عقودی که موضوعشان به نحوی با مالکیت مربوط است پرداخته و در فصول آن به بیع، انواع بیع، مبادله^۱، هبه، شرکت، قرض، تعهدات پرداخت مستمری و صلح. باب دوم این کتاب به عقود مربوط به انتفاعات تخصیص یافته و طی فصول آن اجاره و عاریه مذکور شده و در باب سوم ذیل عنوان عقود مربوط به کار طی فصول پنج گانه پیمانکاری، قراردادکار، وکالت، ودیعه و حراست موضوع بحث قرار گرفته است و در انتهای کتاب عقود غرری مثل قمار و گروبندی و التزام به پرداخت مقرری قرار دارد و سرانجام عقود بیمه و کفالت و احکام تفصیلی آن دو.

قسمت دوم قانون تحت عنوان حقوق عینی به دو کتاب (کتاب سوم و چهارم) منقسم گردیده است که از آن دو، کتاب سوم به حقوق عینی اصلی تخصیص یافته است و در اولین فصل باب اولش، حق مالکیت، محدوده و ابزار حمایتش، اموری که آن حق را مقید می‌سازد بیان شده و فصل دوم آن باب به اسباب کسب مالکیت اختصاص یافته است و طی آن تصرف مالکانه منقولات، ارث، وصیت مجاورت با ملک، عقد و شفعه و حیازت غیر منقول برشمرده شده است. در باب دوم حقوقی که از مالکیت منبعت می‌شود، حق انتفاع، حق استعمال و سکنی توصیف و موضوع حکم واقع شده و سپس حق حکر و ارتفاق آمده است.

سرآغاز چهارمین کتاب قانون مدنی مصر و باب اولش به رهن رسمی اختصاص یافته است و فصول چند گانه‌اش انشاء رهن، آثار رهن بین اطراف آن و نیز ثالث را موضوع حکم نهاده است. باب دوم این کتاب حق اختصاص^۲ و سپس رهن حیازی را

۱. المقایضة. ماده ۴۸۲؛ المقایضة عقد به يلتزم كل من المتعاقدين ان ينقل الى الآخر على سبيل التبادل ملكية مال ليس من النقود.

۲. حق ویژه‌ای است که طلبکاری که طلبش مستند به حکم نهایی است می‌تواند بادرخواست مکتوبش از دادگاه محل وقوع غیر منقول ملکی بدهکار خویش، به دست آورد؛ حقی که پس از پدید آمدنش در حدود مقررات، غیر منقول یاد شده را محکوم به احکام غیر منقولی می‌کند که رسماً در رهن بدهی مذکور قرار داشته است.

بیان داشته و احکام هر یک را طی چهار فصل متمرکز داشته است و سرانجام باب چهارم کتاب چهارم به ذکر حقوق ممتاز و اولویتهای آن پرداخته و با بیان احکام آن قانون مدنی منظور به پایان می‌رسد.

قانون مدنی جدید مصر، به توصیف موجزی که از آن به دست داده شد، در زمره قوانین مدنی پیشرفته و مترقی به حساب می‌آید. تفصیل و تبویب مناسب، دسته بندی و تقدم و تأخر منطقی و آکادمیک امور و مطالب از ویژگیهای این قانون است و نیز بیان فصیح و مناسب قانون نویسی و بهره گرفتن از آخرین دستمایه‌های علمی زمان تدوین از خصوصیت‌های بارز آن به نظر می‌رسد. فرصت زمانی قابل توجهی که کمیسیون مقدماتی و کمیسیون تدوین طرح مقدماتی برای تدوین آن صرف کرده و نیز فرصت زمانی مناسبی که مجالس قانونگذاری کشور مصر و کمیسیونهایشان برای رسیدگی به مواد این قانون مصروف داشته‌اند، از اسباب موفقیت این قانون است و نیز تخصص فوق العاده حقوقی نویسندگان آن قانون و به همراهی گشادگی دست ایشان در بهره‌مندی از علوم و دستمایه‌های کشورهای پیشرفته دنیا از علل و اسباب دیگرش. وجود کتاب مفصلی به نام «المذكرة الايضاحیه» یعنی یادداشتهای توضیحی مدونان این قانون، از جمله محاسنی است که کمتر قانونی متأسفانه از آن برخوردار است. چه وجود یادداشتهای مدونان همواره برای حقوقدانان دوره‌های بعدی این امکان را فراهم می‌سازد که با مراجعه به آنها از چند و چون نگارش کلمات و عبارات و احکام مواد این قانون نیک آگاه گردند. جز این شرحهای سه گانه‌ای که حقوقدان فقید مصری دکتر سنهوری ریاست کمیسیون‌های تدوین و اصلاح این قانون پس از تصویب آن به رشته تحریر درآورده خود از منابع تطبیقی و ژرفای حقوق مدنی معاصر خصوصاً در کشورهای جهان سوم به حساب می‌آید. اکنون که این مختصر به پایان می‌رسد بجاست برای آشنایی بیشتر خوانندگان به ظرافتهای این قانون نمونه، به ترجمه چند ماده‌ای از مواد اولیه و احکام عمومی آن دست زده شود:

باب مقدماتی - احکام عمومی

فصل اول - قانون و تطبیق آن

۱ - قانون و حق

ماده ۱ - یک: نصوص قانونی، عموم مسائلی را که الفاظ یا فحوای آن نصوص در بر می‌گیرد شامل می‌گردد.

دو: از این رو هرگاه در قضیه‌ای - نصی قانونی یافته نیاید، دادرس به اقتضای عرف حکم می‌دهد و اگر عرفی نیز در آن قضیه نباشد به اقتضای مبادی شرع اسلام حکم می‌دهد و اگر آن نیز نبود به اقتضای حقوق طبیعی و قواعد عدالت حکم خواهد داد.

ماده ۲ - نص قانون، جز با نص قانون لاحق که صریحاً به الغای قانون سابق اشاره کرده باشد و یا نص قانونی که مشتمل بر نصی معارض با قانون قدیم باشد الغا نخواهد شد مگر آن که قانون لاحق، مجدداً به تنظیم موضوعی بپردازد که قانون قبلی قواعدش را مقرر داشته است.

ماده ۳ - مواعد قانونی بر حسب تقویم میلادی محاسبه می‌شود، مگر آن که قانون جز این مقرر کند.

ماده ۴ - کسی که از حق خود به نحوی مشروع استفاده می‌کند مسؤول زیانهای ناشی از آن استفاده نیست.

ماده ۵ - استفاده از حق در موارد ذیل غیر مشروع است:

الف - هرگاه جز زیان وارد ساختن به غیر، از آن قصدی دیگر نشده باشد.

ب - هرگاه مصالحی که برای رسیدن به آنها آن حق را به کار گرفته‌اند، آنقدر کم اهمیت باشد که با ضرر و زبانی که به سبب استفاده از آن حق نصیب غیر می‌گردد به هیچ وجه تناسبی نداشته باشد.

ج - هرگاه مصالحی که برای تحقق بخشیدن به آنها آن حق را گرفته شده، خود نامشروع بود.

۲- تطبیق قانون

تعارض زمانی قوانین

ماده ۶- یک: مقررات راجع به اهلیت، همه کسانی را که شروط مقرر در آن نصوص در برمی‌گیرد شامل می‌گردد.

دو: در صورتی که شخصی که حسب مقررات منسوخ واجد اهلیت شمرده شده بر طبق مقررات جدید اهلیت ناقص شمرده شود، نقصان اهلیت کنونی وی تاثیری در تصرفات قبلیش ندارد.

ماده ۷- مقررات جدیدی که در زمینه مرور و زمان به تصویب رسد، نسبت به تمام مرور زمانهای پایان نیافته در زمان اعتبار مقررات جدید، جاری می‌گردد. اما مقررات سابق در زمینه مسائل آغاز جریان مرور زمان و وقوع و قطع آن نسبت به مدت قبل از اعتبار مقررات جدید حاکم است.

ماده ۸- یک: هرگاه مقررات جدید، مدت مرور زمان را کوتاه‌تر از همان مدت در مقررات سابق اعلام کند، مدت جدید از زمان اجرای مقررات تازه جاری است هر چند که مرور زمان منظور پیش از اعتبار قانون اخیر آغاز گشته باشد.

دو: اما هرگاه زمان باقی مانده منصوص در قانون قدیم از زمان تعیین شده در قانون جدید کوتاه‌تر باشد، مرور زمان با اتمام مدت باقی مانده جاری می‌شود.

ماده ۹- در زمینه ادله‌ای که سابقاً تهیه شده است مقررات جاری زمان فراهم شدن دلیل یا زمانی که در شأنش بوده است دلیل آن هنگام فراهم شدن، جاری خواهد بود.

تعارض مکانی قوانین

ماده ۱۰- هنگامی که اصل تعارض قوانین در زمینه‌ای در جهت برگزیدن قانون قابل اجرا نیازمند و مستلزم تشخیص نوع رابطه‌ای باشد، قانون مصر قانون حاکم بر شناخت آن رابطه خواهد بود.

ماده ۱۱- یک: وضعیت مدنی و اهلیت اشخاص مشمول مقررات کشوری است که ایشان تابعیت آن کشور را دارند. با این وصف در اعمال حقوقی مالی منعقد در مصر که



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی
پرتال جامع علوم انسانی

ماده ۲۲- قواعد اختصاص^۱ و نیز همه مسایل مربوط به اجراء، مشمول مقررات کشوری است که دعوی در آن اقامه می‌شود یا اجراءات به عمل می‌آید.

ماده ۲۳- احکام مواد فوق فقط زمانی اجرا می‌شود که در مقررات خاص، یا در عهدنامه‌های بین المللی نافذ در کشور مصر، حکمی بر خلاف آنها تنصیص نشده باشد.

ماده ۲۴- در زمینه مسایل تعارض قوانینی که مواد فوق الذکر نسبت به آنها ساکت است، اصول حقوق بین الملل خصوصی حکومت می‌کند.

ماده ۲۵- یک: در مورد اشخاصی که تابعیت ایشان شناخته نیست یا اشخاصی که تابعیت‌های متعدد دارند، دادرس قانون حاکم را تعیین خواهد کرد.

دو: در مورد اشخاصی که در زمان معین از دیدگاه کشور مصر دارای تابعیت مصر اند و از دیدگاه کشور یا کشورهای دیگر، تابعیت آنها را نیز واجداند، مقررات کشور مصر حکومت دارد.

ماده ۲۶- هنگامی که بر مبنای احکام مذکور در مواد قبلی احراز شد که قانون حاکم بر امری، قانون کشور معینی است که در آنجا مقررات متعددی برای آن امر وجود دارد قانون داخلی کشور یاد شده مقررات حاکم بر آن امر را تعیین می‌کند.

ماده ۲۷- هرگاه مقرر شود که قانون بیگانه‌ای بایستی حاکم باشد فقط احکام داخلی آن قانون حکومت خواهد کرد نه مقرراتی که مربوط به حقوق بین المللی خصوصی‌شان باشد.

ماده ۲۸- قانونی که بر حسب احکام مواد سابق، حکومتش در زمینه‌ای احراز می‌شود در صورتی که احکامش مخالف با نظم عمومی^۲ یا اخلاق کشور مصر باشد، قابل اجرا نخواهد بود.

۱. ماده ۱۰۸۵: یک: يجوز لكل دائن بیده حکم واجب التنفيذ صادر فی موضوع الدعوی یلزم المدین بشئ معین ان یحصل متی کان حسن النیه، علی حق اختصاص بعقارات مدینه ضماناً لاصل الدين و الفوائد و المصروفات.
 ۲. النظام العام.